

سیدعلی آل داود

وکیل پایه یک دادگستری

## برگی از تاریخ ثبت اسناد در ایران با نگاهی به دفتر اسناد شیخ فضل الله نوری

پیش از تصویب قانون ثبت اسناد، یعنی در زمان پیش از مشروطه، شناسایی و تعیین حدود املاک هر کس فقط بر اساس اسناد عادی و مبیعه نامه‌ها معلوم می‌شد و از این رو همیشه رایج‌ترین دعاوی بین افراد یا حتی بین کسان عادی و دولت‌ها، اختلاف بر سر مالکیت بود. ثبت اسناد به طریق رسمی و قانونی همراه با سایر دانش‌های جدید و از جمله حقوق از اواسط دوران قاجاریه رواج و به تدریج رسمیت پیدا کرد.

در ابتدا چند آیین‌نامه و دستورالعمل برای ثبت صادر شد، اما همانند همه پدیده‌های جدید با مخالفت‌هایی مواجه شد، به گونه‌ای که چون میرزا علی خان امین‌الدوله صدراعظم تجدّدخواه آیین‌نامه‌ای به منظور قانونی کردن ثبت اسناد در دفاتر خاص صادر کرد موج مخالفت‌ها به ویژه از سوی پاره‌ای علما و صاحبان محاضر شرعی از گوشه و کنار برخاست. اینان رواج و رسمیت قانون ثبت را باعث کساد کار خود و بسته شدن محاضر و دفاتر شرعی می‌دانستند. به نظر این گروه با الزامی شدن ثبت، مردم دیگر به محضر شرعی مراجعه نکرده و دعاوی خود را از طریق محاکم عرفی حل و فصل می‌کردند.

دفاتری که علما در آن به انجام امور حقوقی از قبیل تنظیم اسناد و رسیدگی به دعاوی می‌پرداختند «دفتر شرعیات» نام داشت و در آن دفاتر خلاصه هر سند درج می‌شد تا در صورت نیاز بعدها به آن مراجعه شود. در این گفتار نخست به دفاتر شرعیات و

عمل کرد آن اشاره می شود و در بخش دوم یکی از دفاتر ثبت قدیم را که اخیراً پیدا شده و به شیخ فضل الله نوری عالم برجسته عصر مشروطه تعلق دارد معرفی می کنیم.

تنظیم و تشکیل دفتری به نام دفتر ثبت اسناد یا دفتر شرعیات بین علمای عصر قاجار و شاید پیش از آن معمول بود. بیش تر متصدیان این دفاتر که همه در زمره علمای برجسته عهد خود بودند در محضر خود به تنظیم اسناد معاملات و نگارش مبایعه نامه و سایر اسناد رایج آن عهد پرداخته و سپس خلاصه آن را در دفاتر ویژه ای ثبت می کردند که بعضاً آن ها را دفتر شرعیات یا دفتر رسائل نامیده اند.

البته همه علمای مشهور در این قبیل امور وارد نمی شدند. طبعاً اشتغال به این کارها تا حدی زبان مردم عادی را به انتقاد از اینان باز می کرد.

در کتاب نوادرا الامیر - که مجموعه ای از داستان های رایج در باب خدمات و کارهای میرزاتقی خان امیرکبیر به سبک داستان سرایی است - حکایتی راجع به امام جمعه وقت تهران نقل شده است که بر اساس آن یکی از تجار سرشناس تهران خود را ورشکسته اعلام و امام جمعه حکم آن را تأیید و تنفیذ کرد و به این ترتیب گروهی از طلبکاران او از دریافت طلب خود محروم مانده و شکایت به امیر بردند. امیر دفاتر و اسناد تاجر موصوف را واریسی و شخصاً ثابت کرد که تقلبی صورت گرفته و حکم ورشکستگی بازرگان غیر مستند است و او با تدلیس سرمایه هنگفتی از طلبکاران خود را تملک کرده است. امیرکبیر سپس تاجر را خواسته و اموال مردم را از او باز گرفت و امام جمعه را که در یک دعوائی مهم بدون تحقیق رأی داده بود با قدرت تام از داشتن محضر شرعی بر حذر داشت و دفتر او را تعطیل کرد. خبر دیگری از دوران صدارت حاج میرزا آقاسی در دست است: گفته اند ملکی را در محضری چهار بار به عنوان وقف، بیع، صلح، و هبه معادله کرده بودند. همین که صدراعظم در اثر شکایت اصحاب دعوی از محضر مذکور بازخواست کرد، جواب این بود که ما لوح محفوظ نیستیم، ممکن است اشتباه شده باشد. وانگهی خط و مهر هر عالمی را در همه جا نمی شناختند و جز آن و از همه مهم تر آنکه مهر علمای بزرگ را بعد از فوت آنان، دیگران نابجا مورد استفاده قرار می دادند.

در میان علمای شهرستان و ولایات هم تنظیم دفتر شرعیات و دفتر خلاصه احکام گاه معمول بود. اینان نیز به فواید داشتن چنین دفتری پی برده بودند تا هنگام گم شدن

اصل اسناد به توان برای جلوگیری از دعاوی به آن مراجعه کرد. نگارنده سالیان پیش نمونه این دفاتر را که یکی از علمای لنگرود در خصوص اسناد شهر خود تنظیم کرده بود در سازمان اسناد ملی ایران ملاحظه و به اجمال آن را بررسی کرده است. هم چنین استاد ایرج افشار رییس پیشین کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به راقم این سطور فرمود حدود ۷ الی ۸ دفتر از نوع دفاتر شرعیات را که متعلق به امام جمعه خوبی بوده چند دهه پیش برای کتابخانه مرکزی دانشگاه خریداری کرده است.<sup>۳</sup> در این دفاتر به جز اسناد عادی گاه خلاصه عقدنامه‌ها که اصل آن هنرمندانه تزیین شده درج گردیده است، لیکن از آوردن متن کامل خودداری کرده‌اند.

نخستین دستورالعمل ثبت را میرزا حسین خان سپه‌سالار صدراعظم متجدد و ترقی خواه ناصرالدین شاه صادر کرد. بر اساس این آیین‌نامه معاملات می‌بایست بر برگه‌های مخصوص نوشته شده و روی آن تمبر زده شود. اما عموم مردم از این قوانین استقبال نمی‌کردند.

اولین قانون مدون ثبت را پس از انقلاب مشروطه در ۱۲ جمادی‌الاول ۱۳۲۹ ق، مجلس دوم به تصویب رساند. این قانون ۱۳۹ ماده داشت و در آن موضوع تشکیل ادارات ثبت تحت نظر وزارت عدلیه پیش‌بینی شده بود. معهذا این قانون هم عمومیت پیدا نکرد و کم‌تر کسی داوطلبانه اوراق خود را به ثبت می‌رساند. این قانون در دوره مجلس چهارم نسخ و قانون دیگری در ۱۲۹ ماده در سال ۱۳۰۲ ش به جای آن تصویب شد. لیکن در قانون مزبور هم تصریح شده بود که ثبت املاک اختیاری است. این وضع چند سال ادامه یافت تا آنکه داور وزیر عدلیه در ۲۱ بهمن ۱۳۰۶ ش قانونی در ۹ ماده به تصویب رساند که بر طبق آن ثبت کلیه اموال غیر منقول الزامی گردید. و دفاتر اسناد رسمی به وجود آمد. بعدها در دوره وزارت دکتر احمد متین‌دفتری (۱۳۱۵ تا ۱۳۱۷ ش) اصلاحات مهمی در قانون ثبت و دفاتر اسناد رسمی انجام گردید.

به نظر می‌رسد شیوه تنظیم اسناد و خلاصه‌برداری از اصل مدارک و درج آن در دفاتر خاص را، مجتهدان دوره قاجار از شیوه بایگانی اسناد در کاخ سلطنتی و وزارت خارجه

\* - نیز رک: تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران، ج ۲ / ۱۶۸.

دوره ناصرالدین شاه اقتباس کرده‌اند. در این زمان برای نخستین بار مرسوم شد از کلیه اسناد و اوراق و فرامین و احکام پس از صدور، خلاصه‌ای تهیه شده و در دفاتر خاص ثبت شود. این دفاتر با دقت زیاد تنظیم می‌شدند و مشخصات کامل سند و تاریخ آن در دفترها ثبت می‌گردید. با این تفاوت که اصل اسناد وارده را نیز در دفاتر بزرگ دیگری که «آلبوم» نام داشت گرد می‌آوردند. اکنون تعداد زیادی از این گونه آلبوم‌ها و دفاتر در کتابخانه و بایگانی کاخ گلستان و سازمان اسناد ملی ایران نگهداری می‌شود. بررسی دقیق آن‌ها برای نگارش تاریخ اجتماعی ایران و تاریخ حقوق در ایران بسیار مفید و ضروری است. ای کاش کسی از دانشجویان فوق‌لیسانس یا دکتری حقوق به راهنمایی یکی از اساتید علاقمند بدین مهم می‌پرداخت.

اما در اروپا، سابقه ثبت اسناد به شیوه فعلی به قرن ۱۶ میلادی برمی‌گردد. آنگاه در ادوار بعد پس از رواج و گسترش این شیوه، از طریق عثمانی به ایران رسید و به تدریج پس از انقلاب مشروطه نخست به صورتی غیر رسمی و سپس با وضع قوانین جدید، و وظیفه علما در این مقوله رسماً به سر دفتران واگذار شد. نخستین بار قانون تشکیل دفاتر اسناد رسمی در ۱۳ بهمن ۱۳۰۷ ش در ۲۰ ماده به تصویب مجلس رسید. افراد مکلف شدند که برای رسمیت معاملات به دفاتر اسناد مراجعه کنند.

در ایران رواج علوم جدید همانند همه کشورهای مشرق زمینی با تنش‌ها و درگیری‌ها و مقاومت‌ها روبرو بود. چنان‌که هنگامی که ناصرالدین شاه در رمضان سال ۱۳۰۳ ق آیین‌نامه‌ای در خصوص ثبت اسناد صادر و اجرای آن را از سوی عموم طبقات الزامی کرد، موج نارضایتی برخاست. به موجب فصل ششم این آیین‌نامه، برخی اسناد لزوماً باید در دفتر اسناد رسمی ثبت شود تا اعتبار آن محقق گردد. متن این فصل چنین است: «مستندات مشروحه ذیل باید در دفتر رسمی معتبر شده و به موجب فصل پنجم حقوق دولتی را ادا نماید: سند میراث، قبالة املاک، سند رهن و بیع شرط، تقسیم‌نامه، قرارنامه بتایی و غیره، کلیه قرارهایی که متعلق به وجوه باشد، اسناد شراکت، مقاطعه‌نامه، سند اجاره».\*

\*- دکتر محبوبی اردکانی، تاریخ مؤسسات تمدنی، ج ۲ / ۳۹۲، صد سال پیش از این ص ۱۳۵ و ۱۳۶.

اما انتشار نخستین قانون دفترخانه، غائله آفرید. علما در تهران و تبریز علم مخالفت برافراشتند به گمان این که از اختیارات آنان کاسته خواهد شد. اتفاقاً درست هم بود. در تهران امین‌الدوله دستور داد قانون فوق را مسکوت گذارند. سر و صداها خوابید، اما در تبریز گفتگوها و شورش ادامه داشت. دولت ناچار عقب‌نشینی کرد و قانون فوق را به فراموشی سپرد.\*

با عدم اقبال عمومی از قوانین مصوب ثبت و دفترخانه‌ها در پیش از انقلاب مشروطه، بیش‌تر دعاوی مطروحه در محاضر شرع و دیوان خانه عدلیه، اختلاف بر سر مالکیت بود که دعاوی آن سال‌ها به طول می‌انجامید. گاه بود که یک نفر ملک خود را با مبیاعه‌نامه عادی در محضر علمای متعدد به چند نفر می‌فروخت و اگر یک تن از اینان در هنگام طرح دعوی فوت می‌کرد تمام ورثه او نیز وارد دعوی می‌شدند، در نتیجه حل و فصل یک دعاوی آن سال‌ها طول می‌کشید و وقت عده زیادی گرفته می‌شد. با تصویب قانون ثبت و به ویژه با ایجاد دفاتر اسناد رسمی و رسمیت آن‌ها و ثبت مشخصات ملک و معاملات آن در دفتری به نام «دفتر املاک» ریشه بسیاری از این دعاوی خشکیده و به ویژه رسیدگی به اسناد معارض به روشی قانونمند صورت می‌گیرد. اینک پس از این مقدمه به معرفی یکی از دفاتر شرعیات که متعلق به قرن پیش است می‌پردازیم:

\*\*\*

چندی پیش نسخه خطی مفصل دفتری مشتمل بر خلاصه معاملات و اسناد تنظیم شده در نزدیکی از علمای بزرگ عصر قاجار را که نزد خانم دکتر منصوره اتحادیه استاد تاریخ دانشگاه تهران موجود بود و تازه به تملک ایشان در آمده بود ملاحظه کردم و با تأملی اندک دریافتم که این دفتر متعلق به روحانی نامدار عصر مشروطه شیخ فضل‌الله نوری و یکی از دفاتری است که خلاصه اسنادی را که در مدت چند سال نوشته و تأیید و امضاء کرده در این دفتر گردآوری کرده است. چند مهر و امضای شیخ فضل‌الله در ذیل بیش‌تر این خلاصه‌ها دیده نمی‌شود اما با دلایل و قراین متعدد می‌توان یقین داشت که دفتر مذکور متعلق به شیخ است. از جمله آنکه در ذیل چند سند خلاصه مهر و امضای او

دیده می‌شود و وانگهی قسمت بیش‌تر اسناد به شخصیت‌های مازندرانی به خصوص نور و کجور تعلق دارد. بنابراین در صحت انتساب آن به شیخ فضل‌الله نوری کم‌ترین تردیدی نمی‌توان روا داشت.

کتابچه مذکور حاوی ۳۷۴ صفحه است و از توضیح مندرج در حاشیه نخستین صفحه آن برمی‌آید که تحریر این اثر را شیخ فضل‌الله از ربیع‌الثانی سال ۱۳۰۳ ق آغاز کرده و خلاصه فعالیت‌های خود را تا اواسط سال ۱۳۰۶ ق در آن مندرج ساخته است. لیکن از تاریخ برخی اسناد چنین برمی‌آید که کسانی اسناد سابق خود را نیز به رویت و تأیید شیخ رسانده و او با مهر و امضای خود آن‌ها را استحکام بخشیده و در حقیقت تنفیذ کرده است. از جمله در صفحه ۳۴ وقف‌نامه‌ای درج شده که مربوط به سال ۱۲۹۱ ق است و خلاصه تسجیل شده آن را در صفحه آورده است.

این دفتر موسوم به «دفتر اول» و در ۲۵ صفحه ابتدای آن خلاصه معاملات ربیع‌الثانی سال ۱۳۰۳ تا پایان همین سال درج شده و پس از آن به درج خلاصه اسناد سال ۱۳۰۴ پرداخته است. شیخ فضل‌الله در یادداشتی بر حاشیه نخستین صفحه این دفتر ذکر می‌کند که در ربیع‌الثانی سال ۱۳۰۳ ق تقریباً چهل روز از ورود وی به طهران گذشته است.

اما منشی و محرر و کسی که تقریباً سراسر کتاب به خط و لابد انشای اوست، میرزا عبدالکریم منشی است که در ص ۲۷ کتاب از خود با نام «میرزا عبدالکریم منشی رسایل حاضر پسر مرحوم حاجی میرزا عبدالله منشی تبریزی طهران مسکن» یاد می‌کند. از ممیزات خاص این دفتر یکی آن است که فسخ‌نامه برخی معاملات را نیز در ذیل اصل سند درج کرده است، تا کسانی بعدها نتوانند از آن سوءاستفاده (از جمله در ص ۱۰) کنند.

اسناد مندرج در این دفتر انواع گوناگون دارد. نمونه بیش‌تر معاملات حقوقی رایج در آن دیده می‌شود. اما بیش‌ترین سندها از انواع زیر است: ۱- معاملات (انواع بیع چون بیع قطعی و شرطی) ۲- وکالت ۳- وصیت ۴- ازدواج ۵- طلاق ۶- پرداخت وجه ۷- تعیین وصی و وکیل ۸- اجاره ۹- صلح ۱۰- معاملات با شرط فسخ ۱۱- معاملات اقساطی (از جمله ص ۴۲) ۱۲- معاملات شرطی ۱۳- معاوضه ۱۴- بخشش مهریه (از جمله ص ۳۷) ۱۵- اقرارنامه ۱۶- توافق‌نامه ۱۷- شرط برای محلل.

بررسی وغور در فحوای این اسناد فواید زیاد اجتماعی و اقتصادی و تاریخی و جغرافیایی دارد. ذکر القاب هر یک از طبقات اجتماعی آن زمان از جمله فوایدی است که به جز نکات و اطلاعات حقوقی می توان در تشریح و تبیین تاریخ اجتماعی عصر قاجار از آنها بهره برد. کلاً اسناد این دفتر را می توان از جهات مختلف تقسیم بندی کرد: از حیث طبقات اجتماعی، گروه های برجسته و فرادست اجتماعی به خوبی از طبقات فرودست و تهیدست تفکیک شده اند.

از جهت انتساب به مناطق مختلف جغرافیایی و اطلاعاتی که درباره روستاها و شهرهای گوناگون کشور در آن ذکر شده است. چنان که بیشتر مراجعان به شیخ را ساکنان مناطق شمالی کشور یا مازندرانی های مقیم تهران تشکیل می دهند.

از نظر اجتماعی و تاریخی نام بسیاری از رجال و محل سکونت و مدارج علمی آنان در این دفتر مندرج است و از این طریق می توان نفوذ اجتماعی و حیثیت و شوون آنان را معین کرد. از رجال و افراد ناموری که نامی از آنان در این دفتر به میان آمده است می توان از اشخاص ذیل نام برد: میرزا نصرالله خان نوری (ص ۴۷)، میرزا محمدحسین مستوفی نوری (ص ۵۸)، علیقلی بیک جلودار کجوری الاصل (ص ۵۸)، ملاباقر کجوری (ص ۶۳)، محمد کجوری (ص ۹۸)، زین العابدین نوری (ص ۹۸)، میرزا آقاخان نوری (لابد صدراعظم معروف ناصرالدین شاه ص ۹۹)، حاج میرزا احمد نوری (ص ۶۵)، کربلایی غلامعلی مازندرانی (ص ۶۶)، نصرالله خان نوری (ص ۷۱)، میرزا رضاقلی نوری (ص ۱۰۴)، سید عبدالله بهبهانی (پیشوای برجسته انقلاب مشروطه ص ۱۰۹)، میرزا علی اکبر مداح سقطفروش (ص ۱۴۹)، محمدرضا خان تفنگدارگرگانی الاصل (ص ۱۵۰)، میرزا علی نقی منشی باشی (ص ۱۵۳)، میرزا رضای لشکرنویس (ص ۲۶۷)، امین السلطنه و وقف نامه او (ص ۳۰۳)، احتشام السلطنه (ص ۳۲۵)، بعدها رییس مجلس شد)، اشرف السلطنه (ص ۳۵۰)، همسر محمدحسن خان اعتمادالسلطنه)، فروغ الدوله دختر ناصرالدین شاه و همسر ظهیرالدوله.

از نظر اقتصادی به خصوص از حیث ذکر قیمت ها و بهای دکاکین و املاک و خانه ها و اماکن مختلف حایز اهمیت فراوان است. وقوف بر برخی اصطلاحات اجتماعی، حقوقی و اعلام جغرافیایی، القاب و عناوین رسمی دولتی از جمله فواید دیگری است که از

مطالعه این دفتر حاصل می‌شود.

در اینجا پاره‌ای از اسناد شاخص این مجموعه را به اختصار معرفی می‌کند: ۱ - وقف‌نامه تنظیم شده در سال ۱۲۹۱ ق، پس از چند سال شیخ فضل‌الله آن را تأیید و تنفیذ کرده و در دفتر خود وارد ساخته است. ۲ - صورت اجاره املاک قریه سلیمانیه کرج. بررسی این سند، به محققان اطلاعات جالبی در خصوص یکی از روستاهای پیرامون طهران عرضه می‌دارد. ۳ - نمونه عقدنامه بسیار خواندنی (ص ۳۷). ۴ - بذرافشان آبی، واحد سنجش و اندازه‌گیری املاک که در برخی اسناد از آن نام می‌برد (از جمله ص ۶۰). ۵ - اسناد قراء جم خرم‌آباد، چماق‌آباد و چندین روستای دیگر در اطراف تهران و مازندران. هم چنین در این دفتر به پاره‌ای مشاغل دیوانی و اجتماعی چون: شبیه خوانی، قسط‌فروشی تفنگدارباشی، تاجرباشی، فراش خلوت و منشی‌باشی و امثال آن اشاره می‌شود.

از جمله اسناد حقوقی خواندنی این دفتر، طرح دعوی در وزارت عدلیه (ص ۱۸۱)، حکم صادره در یک دعوی (ص ۲۰۴)، سند قیمومت (ص ۲۱۰)، شرط برای محلل در ازدواج مجدد (ص ۱۹۷) و چندین سند دیگر است. از جمله باید به سند تنظیم شده بین محمدناصر خان ظهیرالدوله بنیادگذار خانقاه ظهیرالدوله و داماد ناصرالدین شاه با حاجی محمدحسن امین‌الضرب رییس ضراب‌خانه دولتی اشاره کرد (ص ۲۶۵).

شرح معاملات انجام شده در سال ۱۳۰۳ ق در صفحه ۱۰۳ کتاب پایان می‌گیرد. از صفحه ۱۰۴، درج اسناد مربوط به اول محرم ۱۳۰۵ ق آغاز شده و اسناد در این سال در ص ۲۵۸ پایان گرفته است. از صفحه ۲۵۹ اسناد سال ۱۳۰۶ ق شروع شده است و کتاب بی‌آنکه اشاره‌ای شود با درج اسناد شوال سال مذکور خاتمه می‌یابد.

آخرین سند این دفتر، خواندنی و قابل توجه است. موضوع مربوط به اجرت کتابت در یک صد سال پیش است. با آنکه در آن روزگار فن چاپ رونقی یافته و چندین چاپ‌خانه در تهران و مراکز استان‌ها، آثاری منتشر می‌کردند، هنوز آثار منتشره چاپی، تکافوی نیاز جامعه را نمی‌کرد و گروهی کاتب خوش‌نویس از این طریق امرارمعاش می‌کردند. در باب این سند در جای دیگر مقاله‌ای خواهیم نوشت که اهمیت آن بسیار بیش‌تر است.

در پایان به عنوان نمونه چند سند را برگزیده و همراه با تصویر برخی اسناد دیگر



ارائه می‌شوند تا خوانندگان به اهمیت این اثر مخصوصاً از حیث تاریخ حقوق در ایران واقف گردند.

### نمونه اسناد

#### ○ سند شماره (۱) درباره تشکیل شرکت مدنی

به تاریخ ۲۵ شهر شوال سنه ۱۳۰۳ (ق) اقرار و اعتراف کرده‌اند: عالی حضرتان حاجی محمد پسر مرحوم آقا کوچک طهرانی و آقامیرزا علی اصغر ولد آقامیرزا عباس سمسار، طهران المقر به این که مشارکت صحیحه شرعیه واقع شده فی مابین این دو نفر در کسب و عمل سمساری به سرمایه مشخص معلوم مبلغ دویست و شصت تومان وجه قضی رایج، که هر یک مبلغ یک صد و سی تومان وجه موصوف خود را حاضر کرده، مخلوط و ممزوج نموده‌اند. و آقامیرزا علی اصغر مذکور تمام مبلغ یک صد و سی تومان خود را از حاجی محمد مشارالیه اقراض نموده و یک طغری تمسک علی حدّه به حاجی سپرده است.

و در ضمن عقد خارج لازم شروط عدیده بینهما شده است: اولاً این که چیزی از دکان برداشت ننمایند، الا بعد از حصول منفعت که بالسویه تقسیم نمایند، و اگر ضرری وارد شده بالسویه متحمل شوند فوراً هر یک روی سرمایه بگذارند. دیگر آنکه کرایه دکان را طرفین بالسویه بدهند. و سایر مخارج جزئی از قبیل اجناس و جاروبکشی و غیره در عهده میرزا علی اصغر است. دیگر آنکه نه مال کس را وارد دکان نمایند و نه از مال الشراکت به غیر بدهند. و دیگر آنکه ملاحظه داشته باشند که در همه وقت از سرمایه در دکان موجود باشد. دیگر آنکه اگر بخواهند تفریق نمایند و آقامیرزا علی اصغر بخواهد به ادای طلب حاجی محمد حسین، جنس بدهد، اگر اجناس است که روز اول وارد دکان کرده‌اند به همان قیمت باید حاجی محمد قبول نماید و اگر جنس دیگر باشد باید به قیمت عادلّه یوم‌الادا قبول نماید، و دگه‌ای که ساکنند، آب و گل\* او حق حاجی محمد است. این شراکت نامچه دو طغری است مهر شده، سجل نوشته است.

\* منظور سر قفلی است که در ادبیات حقوقی عصر قاجار با این عنوان از این حق، نام برده‌اند.

۱۰۲۴۸  
 سن ۱۲۵۱۲ از روز شنبه ۱۲ شهریور ۱۲۵۱۲  
 در شهر اصفهان در روز شنبه ۱۲ شهریور ۱۲۵۱۲  
 در ماه کانونی سن ۱۰۲۴۸  
 ۱۰۲۴۹

سن ۱۲۵۱۲ در روز شنبه ۱۲ شهریور ۱۲۵۱۲  
 در شهر اصفهان در روز شنبه ۱۲ شهریور ۱۲۵۱۲  
 در ماه کانونی سن ۱۰۲۴۸  
 ۱۰۲۴۹

سن ۱۲۵۱۳ از روز جمعه ۱۳ شهریور ۱۲۵۱۳  
 در شهر اصفهان در روز جمعه ۱۳ شهریور ۱۲۵۱۳  
 در ماه کانونی سن ۱۰۲۴۸  
 ۱۰۲۴۹

سن ۱۲۵۱۳ از روز جمعه ۱۳ شهریور ۱۲۵۱۳  
 در شهر اصفهان در روز جمعه ۱۳ شهریور ۱۲۵۱۳  
 در ماه کانونی سن ۱۰۲۴۸  
 ۱۰۲۴۹

سن ۱۲۵۱۳ از روز جمعه ۱۳ شهریور ۱۲۵۱۳  
 در شهر اصفهان در روز جمعه ۱۳ شهریور ۱۲۵۱۳  
 در ماه کانونی سن ۱۰۲۴۸  
 ۱۰۲۴۹

۲۴۵  
 سن ۱۲۵۱۳ از روز جمعه ۱۳ شهریور ۱۲۵۱۳  
 در شهر اصفهان در روز جمعه ۱۳ شهریور ۱۲۵۱۳  
 در ماه کانونی سن ۱۰۲۴۸  
 ۱۰۲۴۹

سن ۱۲۵۱۳ از روز جمعه ۱۳ شهریور ۱۲۵۱۳  
 در شهر اصفهان در روز جمعه ۱۳ شهریور ۱۲۵۱۳  
 در ماه کانونی سن ۱۰۲۴۸  
 ۱۰۲۴۹

سن ۱۲۵۱۳ از روز جمعه ۱۳ شهریور ۱۲۵۱۳  
 در شهر اصفهان در روز جمعه ۱۳ شهریور ۱۲۵۱۳  
 در ماه کانونی سن ۱۰۲۴۸  
 ۱۰۲۴۹

سن ۱۲۵۱۳ از روز جمعه ۱۳ شهریور ۱۲۵۱۳  
 در شهر اصفهان در روز جمعه ۱۳ شهریور ۱۲۵۱۳  
 در ماه کانونی سن ۱۰۲۴۸  
 ۱۰۲۴۹

سن ۱۲۵۱۳ از روز جمعه ۱۳ شهریور ۱۲۵۱۳  
 در شهر اصفهان در روز جمعه ۱۳ شهریور ۱۲۵۱۳  
 در ماه کانونی سن ۱۰۲۴۸  
 ۱۰۲۴۹

### ○ سند شماره (۲) در باب شروط محلل

در ۲۳ رجب (۱۳۰۵ ق) اقرار نمود: میرزا نصرالله خلف مرحوم آقا محمد صالح شیرازی که در ضمن عقد خارج ملتزم شرعی شده‌ام که: هرگاه زوجه مطلقه من که مسمّاء است به «حسن جهان خانم» اختیار محلل نماید، و محلل او را طلاق نگوید یا طلاق بگوید و مخارج ایام عده را محلل یا خودش ندهد یا حمل بردارد از محلل و نگاه‌داری و تکفل آن طفل ننماید. و بعد از طلاق محلل مشارالیه را به عقد دوام خود در نیاورد، به مهر پنجاه تومان...ریال در هر یک از فقرات مسطوره تخلف نماید مجاناً و بلاعوض مبلغ یک صد تومان به مشارالیه دادنی باشد.

و ایضاً اقرار کرد که بعد از محلل که به عقد خود در آورد، اگر بخواهد بر مشارالیه صدمه و خیانتی وارد بیاورد، علاوه بر دیه، مبلغ بیست تومان مجاناً به مشارالیه دادنی باشد. این اقرار ثبت تنها است، نه مهر دارد و نه سجل. محض یادداشت نوشته شد.

### ○ سند شماره (۳) در باب تقسیم اموال

این سند به امضای کسانی چون حاج ملاعلی کنی مجتهد نامدار عصر ناصرالدین شاه و آقا سید اسماعیل بهبهانی عالم مشهور و پدر عبدالله بهبهانی مجتهد برجسته مشروطه‌خواه رسیده است:

«در سلخ محرم (۱۳۰۵ ق) از روی نوشته که اموال و اجناس مشترکی جنابان حاجی معصوم و حاجی میرحبیب‌الله و آقا میرتقی پسران مرحوم حاجی میرزین‌العابدین تاجر تبریزی تقسیم شده است که دو بابت از آن شرح صورت تقسیم شده است، و یک بابت مشتمل بر جزو مطالبات و املاک تقسیم نشده است که در متن و حاشیه مشروح است، که مشتمل است بر شش مهر و سجل.

که یک سجل و مهر از جناب حجة الاسلام آقای حاجی ملاعلی کنی است و در ظهر آن نوشته مرحوم میرور آقا سید اسماعیل بهبهانی اعلی الله مقامه تقابل و تفاسخ تقسیم را نوشته‌اند. که سه مهر از خود ایشان دارد، و طرف یسار خط مرحوم را جناب آقا سید عبدالله نجل شریف آن مرحوم نوشته‌اند که خط و... والد من است. از روی آن نوشته دو سواد برداشته شد. بعد از مقابله هر دو سواد مهر شده، سواد مطابق اصل سجل است.

در تاریخ سلخ محرم ۱۳۰۵ ق.»

○ سند شماره (۴) تنفیذ وصیتنامه

در ۲۷ شهر شوال از روی وصیت نامچه مرحوم عبدالله خان امین الدوله\* که مهور به مهر جمعی از علما و به خط و مهر شریف خلد مقام شیخ\*\* صاحب جواهر قدس سرّه می باشد، یک فقره از فقرات آن وصیتنامه را سواد گرفته اند که مضمونش این است که بعضی از عمارات دارالخلافه که از روی نوشته جداگانه، موصی مذکور مصالحه کرده است به برادر خود حیدرعلی خان، ملک خاص اوست، و کسی را حقّی در آن نیست. آن سواد مهر شده سجل دارد، در پای صفحه. علاوه بر این لغایت املاک ثلث آن مرحوم در هر سالی شصت تومان به حیدرعلی خان داده شود.

○ سند شماره (۵) تقسیم ماترک

به تاریخ ۲ شوال المکرم ۱۳۰۳ (ق) محضری شد در باب محاسبات فی مابین جناب آخوند ملا محمدحسین یوشی و آقا میرزا جعفر پسر مرحوم محمد امین السلطان و همشیره زاده اش علویه دختر مرحوم آقا سید ابراهیم و در آن مجلس امر فی مابین آنها تمام شده، و پنج ورقه نوشته جات فی مابین برای اتمام این کار داده شده و احقر آنها را به خط خود سجل نوشته و مهر کردم.

و اجمالی از تفضیل آن، این که در مدت هفت سالی که از موت مرحوم آقا سید گذشته بود، آنچه که از حقوق حاجیه خانم صیه اش به دست جناب آخوند آمد، از مستمریات و منافع املاک و مخلقات ولایتی آن را تسلیم آقا میرزا جعفر کرد. و حاجیه خانم اعتراف کرد به قبول همه اینها، و من باب الاحتیاط صلح هم واقع شد که ذمه جناب مستطاب آخوند بری بوده باشد، از هر بابت. و اموالی که در طهران از حاجیه خانم بود و جناب آخوند من باب الولابه میرزا جعفر سپرده بود تمام آن فی المجلس تسلیم حاجیه خانم گردید.

\* - عبدالله خان امین الدوله از رجال ایران در اوایل قاجاریه. او کوتاه زمانی صدراعظم فتحعلی شاه بود.

\*\* - منظور شیخ محمدحسن نجفی صاحب کتاب مشهور «جواهر» است.

و حقوق فی مابین میرزا جعفر و همشیره زاده اش نیز صلح شد به ده تومان، به علاوه شصت تومان که نقداً طلب داشت. و مجموع این دو فقره هفتاد تومان و یک طغرا تمسک به میرزا جعفر داد که این مبلغ بر ذمه اش هست، عندالمطالبه کارسازی نماید.

و فی مابین جناب آخوند و میرزا جعفر نیز مصالحه واقع شد من جمیع الجهات... بعد از بابت این هفت سال گذشته حرفی و یا حقی هیچ یک از این سه نفر را بر دیگری نیست، مگر آنکه مبلغ هفتاد تومان حاجیه خانم از دایی خود طلبکار است. و علایم سجلات از این قرار است....

### ○ کتاب نامه

- امین الدوله، میرزا علی خان، خاطرات سیاسی، به کوشش دکتر حافظ فرمان فرمانفرمایان، تهران، ۱۳۴۱ ش، صص ۱۲۵-۱۲۲؛
- دامغانی، محمد تقی. صد سال پیش از این. تهران، ۱۳۵۷ ش، صص ۱۲۱-۱۴۹؛
- شهری، غلامرضا، حقوق اسناد و املاک. تهران: مؤسسه انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۶ ش، مقدمه؛
- عنایت، حسن، سر دفتر و ثبت اسناد در گذشته و حال، مجله کانون سر دفتران، سال هفتم، شماره ۷ و ۸ (آبان و آذر ۱۳۴۲ ش) صص ۵۲-۵۴؛
- کاتوزیان، دکتر امیرناصر، سخنرانی در جمع سر دفتران اسناد رسمی: مندرج در سایت اتحادیه کانون های وکلای دادگستری ایران به نشانی: [www.iranbar.com](http://www.iranbar.com)؛
- محبوبی اردکانی، دکتر حسین، تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۶ ش، ج ۲ / ۱۶۸-۱۷۳، ۳۹۱-۴۰۰؛
- نوری، شیخ فضل الله، دفتر خلاصه اسناد (دفتر شریعت) به تحریر میرزا عبدالکریم منتهی تهرانی، نسخه خطی متعلق به دکتر منصوره اتحادیه، صفحات مختلف.